

شهر ونگ ورزشی دلایل موفقیت پرسپولیس را بررسی می کند

برانکو: چون همه سعی ام رو کردم زبان فارسی رو یاد نگیرم!

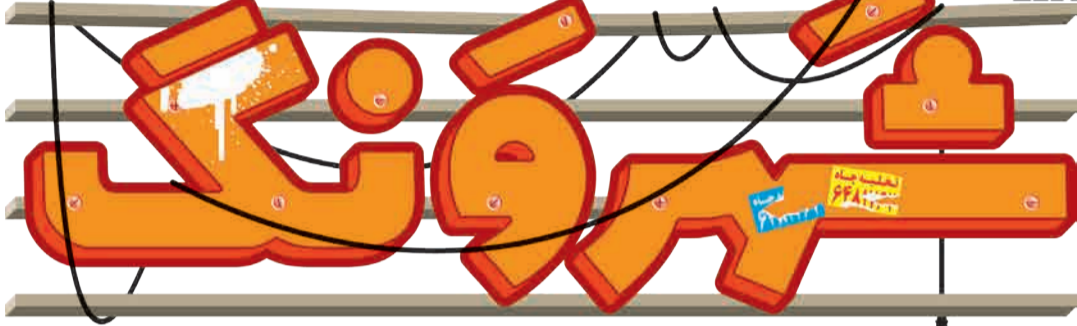


یک کارشناس دوری از پیشکسوتان عامل اصلی موفقیت و برای قهرمانی ضروری است! | طارمی: از غیبت من هم غافل نشدید! | رئال مادرید: آقای فیفا اون پنجره ما رو هم ببند، شاید به فرجی شد! | هوا داران: لیدر هایت را قورت بده! | #تکرار_موفقیت_اتفاقی_نیست #کار_خودت_را_یکن #شهر ونگ

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره هشتصد و سوم

پیر را قفتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

توی دنیای پر از اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهر ونگ»



محمد رضا میر شاه ولد | کارتون‌نویس | hotpen77@yahoo.com

تماشاخانه ۶

خانم‌ها شما دیگه چر؟!!

خشونت در ورزش کشور به فوتبال بانوان هم رسیده است. چند روز پیش خانم‌ها جوری در وسط زمین همدیگر را زدند که امیر قلعه‌نویی و مجتبی محرمی توی آن دربی معروف هم رانزده بودند. تازه این شروع دعوا بود. باید منتظر عواقب وحشتناک این دعوا باشیم. چون آقایان وقتی با هم دعوا می‌کنند در نهایت خیلی زود توسط علی پروین توی یک میهمانی دور هم جمع می‌شوند و علی آقای گوید ماچ کنید هم رو و دعوا تمام می‌شود. اما اولا که فوتبال بانوان علی پروین ندارد. دوما خانم‌ها اصلا به این راحتی آشتی نمی‌کنند. حتی اگر الان رئیس فیفا هم بیاید و بخواهد آشتی‌شان بدهد، می‌گویند: «مرده شور بیرش. حالم ازش به هم می‌خوره» و تا سال‌ها از نزدیک استاد یومی هم که طرف مقابل در آن تمرین می‌کنند نمی‌شوند. تازه در دعوی بین خانم‌ها، بی‌طرفی معنا ندارد. شما یا با او هستید، یا مقابل او. البته نگارنده نمی‌داند این بار اول است دعوا می‌شود یا نه. چون خانم‌ها حداقل از طریق تلویزیون می‌توانند بازی ما را ببینند اما ما هم‌راهم نمی‌توانیم ببینیم. به هر حال ما از سوزهای تکراری فوتبال آقایان خسته شده‌ایم. بی‌زحمت اگر باز هم دعوا کردید، بعد از گذاشتن صدای بوق، فیلمش را برای ما بفرستید.

خطرات دختر فوتبالی

عشق به بگهام و نفرت از الکس و ویکتور یا!

همان روزی ازش متنفر شدم که با لنگه کفش گذاشت توی صورت دیویدم. مردک اسکاتلندی. اصلا لیاقتش همان سولسشیر و اسکولز بودند. دیوید حیف بود در کنار این مرد دیوانه بماند. تنها کاری که خوب انجام می‌داد، آدامس جویدن بود. چه کسی دلش می‌آمد که حتی با بگهام بلند صحبت کند؟ چه برسد بخواهد دست رویش بلند کند. همین زن خر شانش و ویکتور یا، تا به حال از گل نازک‌تر به دیوید نگفته. نه این که او زن خوبی باشد. نه. اصلا چه کسی می‌تواند احترام دیوید را حفظ نکند؟ حتی خودم بعد از این همه بی‌اعتنایی و حالا که به جین بچه‌ها همین خانم ویکتور یا دارد، هنوز هم طرفدارش هستم. اصلا این مرد چرا پیر نمی‌شود؟ اصلا چرا این بشر از جاذبه‌اش کم نمی‌شود؟ کچل می‌کند، پشه می‌آید. دور موهایش را می‌زند و وسطش را می‌گذارد، باز هم جذاب است. دم اسبی می‌بندد باز هم عالی است. خر گوش‌اش می‌کند باز هم تک است. تازه اینها مال الان است. من زمانی عاشقش شدم که ژل آتوسا می‌زد و فرق وسط باز می‌کرد. خلاصه که دو نفر به واسطه حضور در زندگی دیوید، تا آخر عمر پشت سرشان آه ناله است. یکی اون ویکتور یا، یکی هم مردک اسکاتلندی.

استوره‌های فوتبال: ایگر کاسیاس

بچه نازی بود. یعنی هنوز هم هست. قد و بالای چندان بلندی نداشت. اما قاعده کمتر چاهی می‌پرید. آن اوایل که توی دروازه می‌ایستاد، جلویش یک فانندو هیرو غول پیکر و باجذبه بود که بیشتر مهاجمان حرمت او را نگه می‌داشتند و گل نمی‌زدند. اما کم کم به همه نشان داد که باز یکن‌های بزرگ همه نباید مثل زیدان کچل باشند و بی‌بی فیس‌ها هم می‌توانند بزرگ باشند. این بشر هیچ جامی توی دنیا نبوده که حداقل یک بار باهش و زرق‌رفته باشند. از جام جهانی، تا ملت‌های اروپا و چمپیونز لیگ و لالیگا تا چهار جانبه محلات تهران. ولش می‌کردی کاپ اخلاق دسته دوورامین را هم با خودش می‌برد. کلا جام‌های فوتبال او را که می‌دیدند، خودشان می‌گفتند: «آخ جون ایگر اومده ببرمون!» همه کسانی که کنار او فوتبال بازی می‌کردند، مثل روبرتو توکارلوس، رائول، گوتی، مورینتس، فیگو، الان دارند توی پارک بانوهای‌شان به قل دوقل بازی می‌کنند. آخر سر این قدر ایگر را چشم زدند و او هم به حرف دلسوزان گوش نکرد و اسپند برای خودش دود نکرد که مضموم شد و مجبور شد فوتبال را برای همیشه کنار بگذارد.

جنگ برای نیمکت استقلال!

تجربه و پختگی نشستن روی آن نیمکت را ندارد. از آن طرف هم در سی سال گذشته هر زمان این نیمکت خالی شده، امیر قلعه‌نویی مثل پلنگ به سمتش خیز برداشته. کلا امیر همیشه یک سمت دوتل نیمکت استقلال بوده. یک زمان با درگذشتگان حجازی و پورحیدری رقابت داشت. یک زمان با مظلومی و صمد و منصوریان. حالا هم تنها یک رقیب سرسخت مانده که اگر شکستش دهد، دیگر پیشکسوت زنده و مدعی در تاریخ باشگاه نمی‌ماند که توان رقابت با او را داشته باشد.

که اگر می‌خواهد مربی استقلال باشد، نمی‌تواند علیه برخی مدیران و فرزندان‌شان استوری بگذارد. البته فرهاد بعد از این که یک دوش آب سرد گرفت و کمی خاکشیر خورد، فهمید چه کار کرده و استوری را پاک کرد. به هر حال همین نشان می‌دهد که هنوز

این روزها هر ساعت یک نفر مربی باشگاه استقلال می‌شود. فرهاد مجیدی همه‌اش می‌گوید: «موقت نوموخوام. بذارید بمونم». او البته برای این که مربی بهتری بشود، نیاز دارد که در گذاشتن و برداشتن استوری‌های اینستاگرامش عجله نکند. باید یاد بگیرد

ما خواستار اینها هستیم!



ما خواستار حضور یک مربی بلژیکی با سابقه حضور در مجلس سنای این کشور در تیم ملی هستیم. ما خواستار این هستیم که مو. هر چه زودتر به ایران بیاید تا جای خالی ک.ر را پر کند. ما خواستار این هستیم که جوری با مربی تیم ملی قرارداد ببندیم که هیچ مشکلی برای زندگی شخصی او و احیاناً سایر بازیکنان پیش نیاید و بتواند در کمال آرامش به همه کارهایش برسد و در پایان اگر وقت شد یک سر هم به این جا برزد و یک لقمه نان حلال در بیاورد. ما خواستار این هستیم که حتماً توی قرارداد مربی ذکر کنیم در زمان حضور در ایران، حق ندارد پایش را از پایتخت بیرون بگذارد و اگر رفت شهرهای دیگر کشورمان، از همان ور بهتر است به کشورش برگردد.

ما خواستار گرفتن جام از منچستر سیتی و تحویل دادنش به باشگاه مظلوم لیورپول هستیم. ما خواستار این هستیم که پپ گواردیولا به درک واصل شود. ما خواستار این هستیم که یک نفر با توپ دولایه یک ضربه محکم به شکم پپ وارد کند و او قدرت تاکتیکی‌اش را از دست بدهد. ما خواستار این هستیم که اگر در سال سی و یکم هم خواست نگذار لیورپول قهرمان شود، ممد صلاح این اختیار را داشته باشد که هر کاری دلش خواست با او انجام دهد.

ما خواستار این هستیم که یوفا جواب بدهد چرا چهار تیم انگلیسی باید در دو فینال اروپا حضور داشته باشند. ما خواستار این هستیم که یکی دو تا از این تیم‌ها به نفع تیم‌های مظلوم سایر کشورها کنار بروند. ما خواستار این هستیم که یوفا دست از دیکتاتوری و استبداد بردارد و فوتبال را از دست اینها نجات بدهد. ما خواستار این هستیم که قیرس هم در فینال نماینده داشته باشد. ما خواستار این هستیم که لیختن‌اشتاین هم بتواند جام قهرمانی را لمس کند. ما خواستار این هستیم که حداقل حالا که فعلاً این کارها امکان پذیر نیست، هر دو جام را به لیورپول بدهند.

ما خواستار این هستیم که نظارت کلا از روی لیگ‌های کشور برداشته شود تا هر تیمی که پول و زور بیشتری داشت، بتواند بدون مشکل قهرمان شود. ما خواستار تعیین داور از سوی تیم گردن کلفت‌تر هستیم. ما خواستار این هستیم که اگر همه دنیا هم دیدند توپ از خط رد شد، داور به چشم پیش هم نگیرد و بازی را ادامه دهد. ما خواستار این هستیم که رئیس دپارتمان داور به جای کیف، یک ماله دست بگیرد و توی چشم‌مان زل بزند و بگوید من که چیزی ندیدم.

ما خواستار این هستیم که در این روزهای نقل و انتقالات دلالان زحمت‌کش بدون ایجاد هرگونه مزاحمتی بتوانند کارشان را بکنند و در این اوضاع ناجور اقتصادی لقمه نانی به دست بیاورند. ما خواستار این هستیم که مربیان عزیز مانند گذشته بیشتر از آن که به خود فوتبالیست نگاه کنند، به جیب پدرش نگاه کنند. ما خواستار این هستیم که مرزها برای چند هفته باز شود تا این کارگراها و زحمت‌کشان آفریقای و برزیلی با کمک دلال‌ها به کشور بیایند و آرزوی بچگی‌شان برآورده شود و بتوانند به توپ لگد بزنند.

ما خواستار این هستیم که در آستانه انتخابات دوباره بحث واگذاری استقلال و پرسپولیس به بخش خصوصی داغ شود. ما خواستار این هستیم که یک رقم تخیلی برای واگذاری اعلام شود. ما خواستار این هستیم که اگر هم کسی مخش تکان خورد و خواست مالک این باشگاه‌ها شود بهش بگوییم خخخخ الکی بود. برویی کارت. ما خواستار این هستیم که این دو تیم تا آخر عمرشان یتیم و سرراهی بمانند...

